گالری

رفقا سلام!
یک کم با هم حرف بزنیم؟ حرف زدن همیشه جوابه، به خصوص وقتی با رفیق همدل باشه. این شماره‌ها رو که می‌بینی؛ برای همینن. کافی هم با حرف زدن دنبال نتیجه‌ای بیشتر از آروم شدن موقتی هستیم. مثل وقت‌هایی که مضطربیم، ناراحتی‌مون ادامه‌دار می‌شه، ترس و نگرانی دست از سرمون برنمی‌داره. این جور وقت‌ها یه درمانگر خوب و کاربلد می‌تونه بهمون کمک کنه.
شماره پیامک ۲۰۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۰۴۳۹۷۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰

عکس از: guardian.com

خرس قطبی در خانه‌ای مترو که

اطلاعات عمومی

رنگ های ناشناس!

در دنیا رنگ های کمیاب و کمتر شناخته شده‌ای وجود دارد که خیلی های ما حتی اسم شان را هم نشنیده ایم

شما جزو آن هایی هستید که همه رنگ‌ها را با یک پسوند «پررنگ» و «کم‌رنگ» صدا می‌زنند و کار خودشان را آسان می‌کنند؟ یا جزو آن هایی که در رنگ‌شناسی خبره‌اند و به جای دسته‌بندی تنبلانه آبی پررنگ و آبی کم‌رنگ، از «آبی فیروزه‌ای»، «آبی زنگاری»، «آبی دریاری» و «آبی نفتی» حرف می‌زنند؟ جزو هر گروهی که باشید، احتمالا چیزی درباره رنگ‌های نادر و ناشناسات نشنیده‌اید. مان هارا به شما معرفی می‌کنیم.

۱ تاج خروس

رنگ تاج خروس، اسمش را از گیاهی تاج خروس دقیقا چه رنگی است، اتفاق نظر وجود ندارد. یک منبع می گوید این رنگ به گونه‌ای از صورتی اشاره دارد که رنگ کلیشه‌ای آدامس است. منبع دیگری می گوید تاج خروس، سایه‌ای از قرمز است و فقط در همین گیاه‌یافت می‌شود. به هر حال هرچه هست، اسمِ و ظاهر این رنگ، بسیار خاص و نادر است.

Amaranth

۲ استرالیایی

رنگ استرالیایی آن قدر ناشناخته است که اگر عبارت «Australien»، را جست‌وجو کنید، چیزهایی درباره استرالیا پیدا خواهید کرد. خب این کلمه درواقع نام آلمانی استرالیاست و الهام‌بخش آن، منطقه‌ای وسیع به نام «Outback» است که بیشتر قلمرو استرالیا را تشکیل داده است. Outback مثل بسیاری از بیابان‌ها رنگی قهوه‌ای دارد منتها تا حدودی مایل به قرمز است. این رنگ در انگلستان ویکتوریایی بسیار محبوب بود و بسیاری از لباس‌های زنانه، رنگ استرالیایی داشتند.

Australien

۳ برلیوود

برلیوود یکی از آن رنگ‌های کمیاب است که منشأ عجیبی دارد. این رنگ که سایه‌ای از قهوه‌ای است، نام خود را از درخت «Butea frondosa» نام دارد که در جنوب و جنوب‌شرق آسیا هم یافت می‌شود.

Burlywood

۴ فالو

خاستگاه رنگ فالو، شهر معدنی «فالون» در سوئد است. فالون یا معادن مس شناخته می‌شود. معادنی که البته حدود ۳۰ سال پیش بسته شدند اما در اوج زمان فعالیت‌شان، بیش از نیمی از مس جهان را تولید می‌کردند. رنگ فالو، به قرمز مسی اشاره دارد که در سوئد و کشورهای همسایه برای رنگ‌آمیزی انبارها به کار می‌رود.

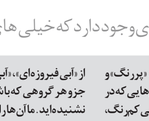

Falu

۵ زافره

زافره، یک سایه آبی است که نام خود را از کلمه ایتالیایی «zaffira»، به معنای یاقوت کبود گرفته است. با این حال، زافره در واقع از «کبالت» تولید می‌شود. فرایندهای شیمیایی خاصی شامل ترکیبات کبالت می‌تواند رنگ‌های آبی خاصی ایجاد کند. یاقوت کبود علاوه بر این که به رنگ مورد بحث‌ها شناخته می‌شود، به رنگ‌های سبز، زرد و صورتی هم وجود دارد.

Zaffre

۶ میکادو

میکادو به چندین رنگ اشاره دارد؛ سایه زردِ و سایه‌های قهوه‌ای و نارنجی. واژه میکادو به معنای «دروازه شریف» است که شاید به دروازه‌های کاخ‌های امپراتوری اشاره داشته باشد. کشورهای آسیای شرقی، زرد را رنگ سلطنتی می‌دانستند و ژاپن هم از این قاعده مستثنا نبود. میکادو هم شبیه به رنگ گل داوودی، گل امپراتوری ژاپن است.

Mikado

منبع: facts.net

مسیر

هنرمند باید صاحب تنهایی شود!

راه و رسم ورود به حوزه هنرهای نمایشی در گفت‌وگو با یک کارگردان و هنرپیشه تئاتر

الهه توانا | روزنامه نگار

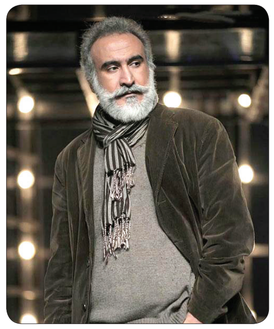

من کی‌ام؟

حمیدرضا نعیمی هستم، متولد ۱۳۵۳ در سرپل ذهاب. جنگ که شروع شد، آواره شدیم و هر کدام‌مان به شهری پناه بردیم. ما به اسلام‌آباد غرب رفتیم و آن‌جا بود که با دنیای نمایش آشنا شدم. یک فیلم از آقای «ایرج قادری» دیدم و تو نمایش -یکی کمدی و یکی تعزیه- و عاشق هنرهای نمایشی شدم. در دبیرستان وقتی می‌خواستم در بخش تقاشی انجمن‌های اسلامی مدرسه ثبت‌نام کنم، دوستی پیشنهاد کرد با هم در قسمت تئاتر شرکت کنیم و این طوری بود که سر نوشت من عوض شد.

چطور خودمان را برای ورود به دنیای هنر آماده کنیم؟

اول از همه باید گرایش مورد علاقه‌تان را تعیین کنید، دقیقا به کدام بخش هنرهای نمایشی علاقه دارید؟ بازیگری، نمایش‌نامه‌نویسی، فیلم‌نامه‌نویسی، کارگردانی تئاتر، کارگردانی سینما، طراحی صحنه و لباس؟ بعضی از شما شعر گفتن و داستان نوشتن هستید و احتمالا با دنیای نویسندگی می‌آشنوس‌تر خواهید بود. بعضی‌های‌تان در جمع‌ها اهل نمایش دادن هستید و بازیگری، بیشتر به کارتان می‌آید. حوزه مورد علاقه‌تان هر چه که هست، ژیمناستیک کار کنید. آواز و موسیقی تمرین کنید تا بر اپرا آشنا شوید، شنا بلد باشید و زیر نظر مربی‌های مجرب، بیان و بدن‌تان را آماده کنید. تامی‌توانید رمان و شعر بخوانید. یک کارگردان باید بتواند خوب نقاشی بکشد، معماری را بشناسد از تاریخ سردر بیاورد. یک هنرپیشه باید بتواند خوب تقلید کند، تقلید از فتار یک معتاد، یک جاهل، یک وزشکار، یک پادشاه، یک گدا. ادای دیگران را در آوردن، غیر اخلاقی نیست چون هنرمند قصد تمسخر ندارد بلکه می‌خواهد بعد آن‌ها را روی صحنه نشان بدهد یعنی تبدیل به هنر کند.

در کلاس‌های آزاد شرکت کنیم یا نه؟

اگر آموزشگاه مد نظرتان معتبر است، بله ولی با تان باشد آموزش رشته‌های هنری در تمام دنیا بسیار گران است. نکته مهم دیگر این است که بدانید آموزشگاه خوب، آموزشگاهی است که استادهای بنام در آن تدریس می‌کنند البته استثنا هم وجود دارد و ممکن است زیر نظر یک معلم گمنام، خوب آموزش ببینید و رشد کنید اما از آن جایی که امروز موسسات هنری بی‌قاعده زیادی وجود دارند، بهتر است به نام‌های بزرگ، اعتماد و البته درباره‌شان تحقیق کنید. یکی از حسن‌های شرکت در کلاس‌های آزاد این است که کمک می‌کند عده‌ای متوجه شوند نباید وارد این حرفه شوند. شادروان «محمد نوری» ابتدا می‌خواست بازیگر شود اما چند ماه بعد از ورودش به مدرسه هنرپیشگی، استادی به ایشان می‌گوید: «همین الان از این جا برو و در مدرسه موسیقی، نتوانید احساس کنید که تشخیص درست، باعث شد که استاد نداری و آوازهای زیبایش در قلب ما ماندگار شود.

> **آواز و موسیقی تمرین کنید تا با ریتم آشنا شوید، شنا بلد باشید و زیر نظر مربی‌های مجرب، بیان و بدن‌تان را آماده کنید. تا می‌توانید رمان و شعر و داستان بخوانید**

مخالفت خانواده با رشته‌های هنری را چه کنیم؟

من معلم‌ها، مهندس‌ها، پزشک‌ها و وکیل‌های زیادی را می‌شناسم که آدم‌های موفقی نیستند. در هر حرفه‌ای، موفقیت معطوف به تمرکز و تلاش فرد است. من همه زندگی‌ام را از تئاتر دارم اما چطور؟ ۲۰ ساعت در شبانه‌روز کار می‌کنم. کتاب می‌خوانم، می‌نویسم، بازی می‌کنم، تمرین می‌کنم، اتودهای نمایشی را انجام می‌دهم، فیلم می‌بینم، می‌روم بیرون و مردم را تماشا می‌کنم و با آن‌ها حرف می‌زنم. مگر ممکن است بیشتر زمانم را صرف حرفه‌ای کنم که عاشقانه دوستش دارم و موفق نشوم؟ شاید بگویید شانس هم دخیل است، بله ولی شانس سراغ آدم‌های بی‌استعداد و غیر کوشا نمی‌رود. پس خانواده‌های‌تان را متقاعد کنید که ما فقط یک بار به این جهان پا می‌گذاریم و حق داریم چیزی را تجربه کنیم که دوست داریم. فراموش نکنید افراد موفق در حوزه هنر، عمرشان را به بطالت نگذرانده‌اند و به جای پرداختن به کارهای بی‌ثمر روی خواسته‌شان متمرکز شده‌اند.

در دنیای کارگردانی چه چیزی منتظر ماست؟

خیلی‌ها می‌توانند بازیگر و نویسنده شوند اما آدم‌های کمی می‌توانند به این موهبت الهی دست پیدا کنند که خودشان آفریننده باشند. کارگردانی کردن یعنی آفرینندگی و کار بسیار دشواری است. همه اعضای تیم از بازیگر و طراح صحنه و گریم تا فیلم‌بردار و صدابردار در مسیری حرکت می‌کنند که شما می‌خواهید. شما باید روان‌شناس خوبی باشید تا بدانید با تک‌تک اعضای تیم‌تان چطور برخورد کنید. باید از همین الان یاد بگیرید که همه چیز را متفاوت ببینید و صاحب تنهایی شوید. یعنی حتی وقتی در جمع هستید، بتوانید احساس کنید که فقط خودتان هستید و خودتان به تخیل‌تان پروبال بدهید.

سفرنامه

افسرده‌ترین و سردترین شهر روی زمین

شهر درفتاده «نوریلسک» در روسیه با رودی به رنگ خون، هوای آلوده و ۴۵ روز تاریکی به افسرده‌ترین شهر روی زمین مشهور است. امید به زندگی مردم در این شهر با ۱۷۰ هزار نفر جمعیت، ۱۰ سال کمتر از میانگین کشور روسیه است. دسترسی به نوریلسک از طریق جاده‌ها بسیار سخت است و تنها یک خط آهن باری فعال دارد که مسیری را برای رسیدن به شهر از طریق دریا فراهم می‌کند که آن هم در زمستان یخ زده است. تنها مسیر ممکن این شهر مثل سول ال به بیابان می‌رود افتاده، پروازی پنج ساعته از مسکو است که به دلیل بدی آب‌وهوا گاهی با چند هفته تأخیر انجام می‌شود. در اوایل قرن بیستم یک دانشمند آلمانی که با کبالت در دامنه کوه‌های پیرامون «نوریلسک» کشف کرد، درواقع این شهر روی بزرگ‌ترین ذخایر نیکل، مس و پالادیوم‌مین قرار دارد. نوریلسک امروز آلوده‌ترین شهر روسیه و یکی از ۱۰ شهر آلوده جهان است. هر سال کارخانه نیکل بیش از ۲ میلیون تن گاز سمی تولید می‌کند و حدودیک درصد از کل انتشار دی‌اکسید گوگرد جهانی از همین شهر است. آلودگی هوای این شهر گاهی به حدی است که منجر به بارش باران اسیدی و برفی به رنگ سیاه و زرد می‌شود. به دلیل خاک آلوده و نامناسب، پوشش گیاهی در این منطقه رشد کم و ضعیفی دارد و تنها مزیت خاک نوریلسک، وجود مواد معدنی در آن است. در سپتامبر ۲۰۱۶ رودخانه «دالدیکان» نزدیک شهر به شکل ترسناکی به رنگ خون درآمد. برای این پدیده نادر هیچ توضیح رسمی اما تا احتمال زیاد دلیل آن، کارخانه ذوب مجاورش بوده‌باشد. نوریلسک باداشتن عنوان شمالی‌ترین شهر جهان، دوماه از سال در تاریکی مطلق و در یخبندان دایمی قطب است. دوسوم سال، شهر و پیرامون آن به‌طور میانگین دمای ۳۰- درجه سانتی‌گراد است.

> **نوریلسک با داشتن عنوان شمالی‌ترین شهر جهان، دو ماه از سال در تاریکی مطلق و در یخبندان دایمی قطب است**

بدون شرح

اثری از: Seyran Caferli

سینما توگراف

چطور یک فیلم نامه کمدی بنویسیم؟

تا حالا فکر نوشتن یک فیلم‌نامه کمدی به سرتان زده؟ اگر اهل نوشتن و عاشق سینما باشید و دوست و آشنا سینما را به نامزه بودن نشناسند، بعید نیست وسوسه شده باشید اما آیا دانستن این «نوع» کافی است؟ برای نوشتن یک فیلم‌نامه کمدی باید چه کار کنیم؟ در سینما تو گراف این هفته، چند پیشنهاد برای‌تان داریم تا به شما کمک کند به‌صورت اصولی و مفید، نوشتن برای یک اثر نه‌چندان کمدی را تمرین کنید.

شخصیت‌ها

شخصیت‌ها مهم‌ترین بخش فیلم‌نامه کمدی هستند، شخصیت‌های جالب، معیوب و خنده‌دار؛ اما چه چیزهایی آن‌ها را به این صفت‌ها مجهز می‌کند؟ چیزی که شخصیت‌ها را جذاب می‌کند، همانی است که برای آن‌ها مشکل ایجاد می‌کند. شخصیت‌ها باید عامل سقوط خودشان باشند؛ آن‌ها تصمیماتی می‌گیرند که در نظر خودشان کاملا منطقی است اما برای بیننده اصلا معنی ندارد. شخصیت‌های کمدی از اشتباهات خود درس نمی‌گیرند و آن‌ها را بارها و بارها تکرار می‌کنند. قبل از شروع به نوشتن مطمئن شوید که شخصیت‌های‌تان را به‌خوبی می‌شناسید. وارد ذهن آن‌ها شوید؛ اگر در یک موقعیت پرتنش قرار بگیرند، چطور رفتار می‌کنند؟ در رستوران چه چیزی سفارش می‌دهند؟ تا جایی که می‌توانید در باره هر شخصیت از خودتان و صدابردار در مسیری حرکت می‌کنند که شما می‌خواهید. شما باید روان‌شناس خوبی باشید تا بدانید با تک‌تک اعضای تیم‌تان چطور برخورد کنید. باید از همین الان یاد بگیرید که همه چیز را متفاوت ببینید و صاحب تنهایی شوید. یعنی حتی وقتی در جمع هستید، بتوانید احساس کنید که فقط خودتان هستید و خودتان به تخیل‌تان پروبال بدهید.

مخالفت خانواده با رشته‌های هنری را چه کنیم؟

من معلم‌ها، مهندس‌ها، پزشک‌ها و وکیل‌های زیادی را می‌شناسم که آدم‌های موفقی نیستند. در هر حرفه‌ای، موفقیت معطوف به تمرکز و تلاش فرد است. من همه زندگی‌ام را از تئاتر دارم اما چطور؟ ۲۰ ساعت در شبانه‌روز کار می‌کنم. کتاب می‌خوانم، می‌نویسم، بازی می‌کنم، تمرین می‌کنم، اتودهای نمایشی را انجام می‌دهم، فیلم می‌بینم، می‌روم بیرون و مردم را تماشا می‌کنم و با آن‌ها حرف می‌زنم. مگر ممکن است بیشتر زمانم را صرف حرفه‌ای کنم که عاشقانه دوستش دارم و موفق نشوم؟ شاید بگویید شانس هم دخیل است، بله ولی شانس سراغ آدم‌های بی‌استعداد و غیر کوشا نمی‌رود. پس خانواده‌های‌تان را متقاعد کنید که ما فقط یک بار به این جهان پا می‌گذاریم و حق داریم چیزی را تجربه کنیم که دوست داریم. فراموش نکنید افراد موفق در حوزه هنر، عمرشان را به بطالت نگذرانده‌اند و به جای پرداختن به کارهای بی‌ثمر روی خواسته‌شان متمرکز شده‌اند.

در دنیای کارگردانی چه چیزی منتظر ماست؟

خیلی‌ها می‌توانند بازیگر و نویسنده شوند اما آدم‌های کمی می‌توانند به این موهبت الهی دست پیدا کنند که خودشان آفریننده باشند. کارگردانی کردن یعنی آفرینندگی و کار بسیار دشواری است. همه اعضای تیم از بازیگر و طراح صحنه و گریم تا فیلم‌بردار و صدابردار در مسیری حرکت می‌کنند که شما می‌خواهید. شما باید روان‌شناس خوبی باشید تا بدانید با تک‌تک اعضای تیم‌تان چطور برخورد کنید. باید از همین الان یاد بگیرید که همه چیز را متفاوت ببینید و صاحب تنهایی شوید. یعنی حتی وقتی در جمع هستید، بتوانید احساس کنید که فقط خودتان هستید و خودتان به تخیل‌تان پروبال بدهید.

روی «شخص» تمرکز کنید نه «وزن»!

ما در دوره نوجوانی اغلب در خصوص آن چه دیگران درباره‌مان فکر می‌کنند، حساسیت زیادی داریم. حتی ممکن است پیشنهادهای دوستانه و الدین، خواهر و برادر یا دوستان‌مان درباره ورزش ورزیم غذایی، در نظرمان انتقاد تلقی شود و اوضاع را بدتر کند. ترس از قضاوت و طرد شدن، ممکن است ما را از تلاش دور کند. چطور می‌توانیم از خودمان در برابر این شرایط مراقبت کنیم؟ بهترین کار این است که تمرکز خودمان و دیگران را از وزن دور کنیم و به سمت «خود» به عنوان یک شخص برگردانیم. اما چطور؟

اعتماد به‌نفس‌تان را بازسازی کنید

به گروه‌هایی بپیوندید که با شما علاقه و هدف مشترکی دارند. در فعالیت‌هایی که دوست دارید، داوطلب شوید و کارهای فوق برنامه مدرسه را از دست ندهید. در کتابخانه، گروه تئاتر و... چه خبر است؟ انجام دادن این کارها همان‌طور که ممکن است شما دارد. مثلا شخصیت شما ممکن است بخواهد همه او را دوست داشته باشند و تحسین کنند اما چیزی که در واقع نیاز دارد این است که بپذیرد او چیزی نیست که خودش فکر می‌کند.

موقعیت و دیالوگ

قانون نوشتن فیلم‌نامه کمدی، خلق موقعیت گیر افتادگی است. همه کمدی‌های خوب حول شخصیت‌هایی می‌چرخند که در محیطی پر از تناقض افتاده‌اند. به همین دلیل است که سریال‌های کمدی خانواده‌گی اغلب بسیار خوب عمل می‌کنند چون چه بخواهید و چه نخواهید، در کنار خانواده‌تان گیر کرده‌اید و شوخی می‌تواند در این موقعیت‌ها به خوبی شکل بگیرد. پس به وضعیتی فکر کنید که شخصیت‌ها نمی‌توانند از آن خارج شوند و در گیری از آن شروع می‌شود. شخصیت‌ها در این موقعیت‌ها چطور با هم گفت و گو می‌کنند؟ حواس‌تان باشد که آن‌ها داستان فیلم را برای یکدیگر توضیح ندهند. داستان باید از خلال اتفاق‌ها و حرف‌های شخصیت‌ها نمایش داده شود نه این که شخصیت‌ها آن را برای بیننده بیان کنند. نکته مهم بعدی این است که هر دیالوگی که گفته می‌شود، باید هدفی داشته باشد و هدفش هم پیشبرد داستان است. بیان کردن یک سری جمله‌ها صرفا به خاطر خنده‌دار بودن، از کار شما فیلم‌نامه کمدی نمی‌سازد.

موقعیت و دیالوگ

قانون نوشتن فیلم‌نامه کمدی، خلق موقعیت گیر افتادگی است. همه کمدی‌های خوب حول شخصیت‌هایی می‌چرخند که در محیطی پر از تناقض افتاده‌اند. به همین دلیل است که سریال‌های کمدی خانواده‌گی اغلب بسیار خوب عمل می‌کنند چون چه بخواهید و چه نخواهید، در کنار خانواده‌تان گیر کرده‌اید و شوخی می‌تواند در این موقعیت‌ها به خوبی شکل بگیرد. پس به وضعیتی فکر کنید که شخصیت‌ها نمی‌توانند از آن خارج شوند و در گیری از آن شروع می‌شود. شخصیت‌ها در این موقعیت‌ها چطور با هم گفت و گو می‌کنند؟ حواس‌تان باشد که آن‌ها داستان فیلم را برای یکدیگر توضیح ندهند. داستان باید از خلال اتفاق‌ها و حرف‌های شخصیت‌ها نمایش داده شود نه این که شخصیت‌ها آن را برای بیننده بیان کنند. نکته مهم بعدی این است که هر دیالوگی که گفته می‌شود، باید هدفی داشته باشد و هدفش هم پیشبرد داستان است. بیان کردن یک سری جمله‌ها صرفا به خاطر خنده‌دار بودن، از کار شما فیلم‌نامه کمدی نمی‌سازد.

جوک‌ها

خیلی‌ها فکر می‌کنند فیلم‌نامه کمدی یعنی تعریف کردن جوک‌هایی که مخاطب را روده‌بر کند. خب آیا چنین جوک‌هایی وجود دارند؟ «ریچارد وایزمن»، محقق بریتانیایی درباره این موضوع تحقیق کرده است. او خنده‌دارترین جوک‌ها را جمع‌آوری کرد و از هزاران نفر خواست به جوک‌های مورد علاقه‌شان امتیاز دهند. این مطالعه چیزهای زیادی درباره ذائقه طنز در میان فرهنگ‌های مختلف نشان داد و وایزمن را از یک نکته ضروری و مهم مطمئن کرد؛ جوک‌ها همیشه به‌نظر عده‌ای، بامزه‌اند و ازنظر عده‌ای دیگر، لوس و حتی آزاردهنده! پس چه باید کرد؟ از کمدی خوب در غافل‌گیری است که در خندانمن همه موفق عمل می‌کند.

منابع: screencraft.org
freelancevideocollective.com

بدانیم

چطور نگاریم اضافه‌وزن زندگی‌مان را تحت تأثیر قرار بدهد؟

سال‌های نوجوانی با انواع تغییرات همراه است که ما را با فراز‌ونشیب‌های احساسی زیادی مواجه می‌کند. گاهی موضوعی مثل اضافه‌وزن می‌تواند به این تلاطم‌ها دامن بزند. البته معنای‌اش این نیست که همه افراد دارای اضافه‌وزن، نگران و ناراحت‌اند یا همه لاغرها احساس خوبی دارند اما از آن‌جایی که جامعه ما را برای داشتن ظاهری خاص تحت‌فشار می‌گذارد، داشتن اضافه‌وزن ممکن است در بعضی‌ها باعث احساس ناراحتی شود. آگاهی از احساسات منفی، اولین گام برای تغییر دادن اوضاع است.

روی «شخص» تمرکز کنید نه «وزن»!

ما در دوره نوجوانی اغلب در خصوص آن چه دیگران درباره‌مان فکر می‌کنند، حساسیت زیادی داریم. حتی ممکن است پیشنهادهای دوستانه و الدین، خواهر و برادر یا دوستان‌مان درباره ورزش ورزیم غذایی، در نظرمان انتقاد تلقی شود و اوضاع را بدتر کند. ترس از قضاوت و طرد شدن، ممکن است ما را از تلاش دور کند. چطور می‌توانیم از خودمان در برابر این شرایط مراقبت کنیم؟ بهترین کار این است که تمرکز خودمان و دیگران را از وزن دور کنیم و به سمت «خود» به عنوان یک شخص برگردانیم. اما چطور؟

اعتماد به‌نفس‌تان را بازسازی کنید

به گروه‌هایی بپیوندید که با شما علاقه و هدف مشترکی دارند. در فعالیت‌هایی که دوست دارید، داوطلب شوید و کارهای فوق برنامه مدرسه را از دست ندهید. در کتابخانه، گروه تئاتر و... چه خبر است؟ انجام دادن این کارها همان‌طور که ممکن است شما دارد. مثلا شخصیت شما ممکن است بخواهد همه او را دوست داشته باشند و تحسین کنند اما چیزی که در واقع نیاز دارد این است که بپذیرد او چیزی نیست که خودش فکر می‌کند.

موقعیت و دیالوگ

قانون نوشتن فیلم‌نامه کمدی، خلق موقعیت گیر افتادگی است. همه کمدی‌های خوب حول شخصیت‌هایی می‌چرخند که در محیطی پر از تناقض افتاده‌اند. به همین دلیل است که سریال‌های کمدی خانواده‌گی اغلب بسیار خوب عمل می‌کنند چون چه بخواهید و چه نخواهید، در کنار خانواده‌تان گیر کرده‌اید و شوخی می‌تواند در این موقعیت‌ها به خوبی شکل بگیرد. پس به وضعیتی فکر کنید که شخصیت‌ها نمی‌توانند از آن خارج شوند و در گیری از آن شروع می‌شود. شخصیت‌ها در این موقعیت‌ها چطور با هم گفت و گو می‌کنند؟ حواس‌تان باشد که آن‌ها داستان فیلم را برای یکدیگر توضیح ندهند. داستان باید از خلال اتفاق‌ها و حرف‌های شخصیت‌ها نمایش داده شود نه این که شخصیت‌ها آن را برای بیننده بیان کنند. نکته مهم بعدی این است

که هر دیالوگی که گفته می‌شود، باید هدفی داشته باشد و هدفش هم پیشبرد داستان است. بیان کردن یک سری جمله‌ها صرفا به خاطر خنده‌دار بودن، از کار شما فیلم‌نامه کمدی نمی‌سازد.

جوک‌ها

خیلی‌ها فکر می‌کنند فیلم‌نامه کمدی یعنی تعریف کردن جوک‌هایی که مخاطب را روده‌بر کند. خب آیا چنین جوک‌هایی وجود دارند؟ «ریچارد وایزمن»، محقق بریتانیایی درباره این موضوع تحقیق کرده است. او خنده‌دارترین جوک‌ها را جمع‌آوری کرد و از هزاران نفر خواست به جوک‌های مورد علاقه‌شان امتیاز دهند. این مطالعه چیزهای زیادی درباره ذائقه طنز در میان فرهنگ‌های مختلف نشان داد و وایزمن را از یک نکته ضروری و مهم مطمئن کرد؛ جوک‌ها همیشه به‌نظر عده‌ای، بامزه‌اند و ازنظر عده‌ای دیگر، لوس و حتی آزاردهنده! پس چه باید کرد؟ از کمدی خوب در غافل‌گیری است که در خندانمن همه موفق عمل می‌کند.

منابع: screencraft.org
freelancevideocollective.com

پیشنهاد

نام این پرنده چیست؟

برای تو اسعت می‌شود
برای من چقدر سخت‌تر که شال توروی گردن من است
و برف/شانه تو را سپید کرده‌است

عفت زینلی | روزنامه‌نگار

شعر زیبایی که خواندید از کتاب «نام این پرنده چیست؟»، سروده خانم «اکرم سادات هاشمی» انتخاب شده است. انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان زمانی به این نتیجه رسید که کتاب‌های شعر نوجوان در بازار کم تعدادند و با قیمت مناسب در دسترس نوجوانان نیستند برای همین اقدام به چاپ ۱۰ مجموعه شعر از شاعران جوان کودک و نوجوان کرد. «نام این پرنده چیست؟»، یکی از این مجموعه‌هاست که شامل ۱۸ شعر نیمایی با موضوعات عاشقانه و آزاد است. عاشقانه‌هایی نوجوانانه و عاشقانه‌هایی که به طبیعت مربوط می‌شود و نوجوانان را به تأمل و دقت در دنیای اطراف وامی دارد. اگر به خواندن اشعار نیمایی علاقه‌مند هستید، خواندن این مجموعه شعر را به شما پیشنهاد می‌کنم. با هم یکی دیگر از شعرهای این مجموعه را می‌خوانیم؛

نام این پرنده چیست؟
این پرنده سار نیست
قمری و عقاب و باکریم
نه
نه، کلاغ بروی قله چنار نیست
این پرنده که از مداد من
بدون بال
می‌پرد به بسمت دشت‌های روشن خیال
شعر نیست؟

تا جام

معروف‌ترین ترکیب‌های فوتبال روز دنیا

این روزها لیگ ملت‌ها در اروپا و بازی‌های دوستانه در دیگر نقاط دنیا، شور فوتبالی ایجاد کرده. به‌لحاظ تحلیل‌های فوتبالی، اسم ترکیب‌هایی را می‌شنویم که گویای شیوه چینش بازیکنان یک تیم در زمین است. حالا که تنور فوتبال داغ است و کمتر از دو ماه هم تا جام جهانی مانده، بد نیست ویژگی‌های چند ترکیب روز فوتبال را با هم مرور کنیم:

۴-۳-۱ ستاره و خاص

در این ترکیب، کنترل تمام نقاط زمین با حضور دو هافبک دفاعی و دو وینگر و یک مهاجم طراح ممکن است. در این سیستم یک مهاجم هدف حضور دارد و دو وینگر چپ و راست. (وینگر بازیکنی است که جلوتر از هافبک و عقب‌تر از مهاجم در کنارهای زمین بازی می‌کند)

۴-۲-۲ کلاسیک و بدون عمق

در این سیستم دو تنه خطی و لوزی (الماسی) دارد، با دو مهاجم کلاسیک و دو مدافع چپ و راست پرتنفس و خوش‌تکنیک تعریف می‌شود. هافبک‌های کناری در این سیستم باید توانایی سانتر و تغذیه دو مهاجم را داشته باشند. منچستر در دوران اوجش با این سیستم بازی می‌کرد. اگر یکی از هافبک‌های وسط پشت دو مهاجم بازی کند، سیستم خطی به لوزی تبدیل می‌شود.

۴-۵-۱ خاطره‌انگیز برای ایرانی‌ها

فوتبال ایران تا مدت‌ها مرهون شمائیت

ترکیب ۳-۵-۲

۴-۴-۱-۲ با مهاجم کاذب

در این روش چهار هافبک داریم و مهاجم اصلی با هدف ایجاد فضا، رباندو کار بک برای هافبک‌ها در محوطه جریمه حریف با مهاجم در گیر می‌شود. تیم ملی ایران در نیمه اول بازی با اروگوئه تقریبا این سیستم بازی کرد.

۴-۳-۳ استار و خاص

این سیستم بود. تیم‌ها و مربی‌های ایتالیایی دوست دارند سیستم‌های‌شان را پیاده کردن این روش هستند. در این سیستم دو هافبک دفاعی و دو وینگر و یک مهاجم طراح ممکن است. در این سیستم یک مهاجم هدف حضور دارد و دو وینگر چپ و راست. (وینگر بازیکنی است که جلوتر از هافبک و عقب‌تر از مهاجم در کنارهای زمین بازی می‌کند)

۴-۲-۴ کلاسیک و بدون عمق

در این سیستم دو تنه خطی و لوزی (الماسی) دارد، با دو مهاجم کلاسیک و دو مدافع چپ و راست پرتنفس و خوش‌تکنیک تعریف می‌شود. هافبک‌های کناری در این سیستم باید توانایی سانتر و تغذیه دو مهاجم را داشته باشند. منچستر در دوران اوجش با این سیستم بازی می‌کرد. اگر یکی از هافبک‌های وسط پشت دو مهاجم بازی کند، سیستم خطی به لوزی تبدیل می‌شود.

۴-۵-۲ خاطره‌انگیز برای ایرانی‌ها

فوتبال ایران تا مدت‌ها مرهون شمائیت

ترکیب ۳-۵-۲

۴-۴-۱-۲ با مهاجم کاذب

در این روش چهار هافبک داریم و مهاجم اصلی با هدف ایجاد فضا، رباندو کار بک برای هافبک‌ها در محوطه جریمه حریف با مهاجم در گیر می‌شود. تیم ملی ایران در نیمه اول بازی با اروگوئه تقریبا این سیستم بازی کرد.

۴-۳-۳ استار و خاص

این سیستم بود. تیم‌ها و مربی‌های ایتالیایی دوست دارند سیستم‌های‌شان را پیاده کردن این روش هستند. در این سیستم دو هافبک دفاعی و دو وینگر و یک نوعی پیستون و بال هستند که باید در گیر انه و فیزیکی باشند.

۴-۲-۲ تهاجمی و جذاب

در این سیستم دو مهاجم هدف، رئال و تکنیکی داریم و یک مهاجم هدف، رئال طی سال‌های اخیر با مثلث «کاسمیرو»، «مودریچ» و «تونی کروز» در خط هافبک این سبک را به بهترین شکل نمایش داد. تیم ملی برزیل هم در مقاطع زیادی با این سیستم بازی می‌کرد.

۴-۱-۴-۱ با مهاجم کاذب

در این روش چهار هافبک داریم و مهاجم اصلی با هدف ایجاد فضا، رباندو کار بک برای هافبک‌ها در محوطه جریمه حریف با مهاجم در گیر می‌شود. تیم ملی ایران در نیمه اول بازی با اروگوئه تقریبا این سیستم بازی کرد.

شمائیت ترکیب ۳-۵-۲

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

یک از دلایل مهم اثربخشی بودن بعضی از تبلیغات، باور نداشتن تبلیغ توسط سفارش دهنده است

یک عدد پروانه وکالت مرکز وکادی قوه قضاییه
به شماره ۵۱۰۰۳ متعلق به خانم زینب پیاهی مفقود گردیده فلذا بدینوسیله اعلام می گردد مدرک و پروانه مذکور فاقد اعتبار است
۱۴۰۱/۰۸۸۸۴۰

کارت رمپ خدمات فرودگاهی
به نام مجید برباری دولت آبادی به کدملی ۰۹۴۱۵۶۶۵۵۲ مفقودشده وفاقداعتبارمیباشد
۱۴۰۱/۰۸۸۸۱۲

برگ سبز و سند خودرو و کارت سوخت سواری بژو ۲۰۵ جی ال ایکس مدل ۱۳۸۰
شماره پلاک ۵۵۸۲ ۷۷ ایران ۳۳ ج ص ۰۰۰۰ ۱۵۲۱ ۴۵۲۵۸۰۰۱۵۲۱ ش ضلع ۰۸۰۲۰۰۰